خبر

ملتی که قصه‌هایش را فراموش کند، محکوم به مرگ است

قصه‌ها فقط روایت‌هایی برای سرگرمی و گذراندن شب‌های طولانی نیستند؛ آن‌ها بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی ملت‌ها به شمار می‌روند که تجربه‌ها، هویت و رنج نسل‌های گذشته را به آیندگان منتقل می‌کنند. مسعود صفری، نویسنده رمان «دختر اصفهان»، با تأکید بر اهمیت قصه‌گویی معتقد است ملتی که روایت‌های خود را فراموش کند، به‌تدریج بخشی از هویت و ریشه‌های فرهنگی‌اش را از دست می‌دهد.

رمان «دختر اصفهان» که از سوی انتشارات مهرستان منتشر شده، روایتی داستانی با محوریت تاریخ و هویت اصفهان است؛ اثری که با پیوند زدن سرنوشت شخصیت‌های داستان به تحولات تاریخی و اجتماعی شهر، مخاطب را به کوچه‌ها، پل‌ها و خاطرات اصفهان می‌برد. داستان از رازی قدیمی آغاز می‌شود؛ سال‌ها پس از حمله مغول و پراکنده شدن خاندانی از معماران بزرگ، وصیتی میان نسل‌های این خاندان باقی مانده است: بازساختن اصفهان. نشانه‌هایی از این پیوند تاریخی و تعهد خانوادگی در قالب خطوط و سنگ‌نشان‌های اسرارآمیز بر پایه‌های پل خواجو باقی مانده‌اند؛ نشانه‌هایی که در ادامه داستان، معنایی فراتر از ظاهر خود پیدا می‌کنند. سال‌ها بعد، در دوره قاجار، مریم با این نشانه‌ها روبه‌رو می‌شود و مسیر زندگی‌اش با رازهای گذشته و تحولات تاریخی شهر گره می‌خورد. او در شرایطی دشوار، با قصه‌گویی برای ظل‌السلطان تلاش می‌کند جان خود را نجات دهد و در عین حال، روایتگر زندگی مردم عادی، عشق‌های ناکام، ویرانی‌ها و زخم‌های اصفهان باشد.

صفری درباره شکل‌گیری ایده اولیه این رمان می‌گوید الهام اصلی اثر از خوابی آغاز شده است؛ خوابی که در آن صدای کمک‌خواهی فردی از سمت پل خواجو شنیده می‌شد. همین تصویر، زمینه شکل‌گیری داستانی شد که در آن اصفهان حضوری فراتر از یک جغرافیای شهری دارد و به شخصیتی زنده و اثرگذار تبدیل می‌شود. عنوان «دختر اصفهان» نیز به گفته نویسنده، ایهامی به زایندرود دارد؛ رودخانه‌ای که در جهان داستان با سرنوشت مریم پیوند می‌خورد. از نگاه او، پل‌های اصفهان بدون آب معنای کامل خود را از دست می‌دهند و حفاظت از میراث شهر را نمی‌توان از توجه به زایندرود جدا کرد. یکی از محورهای مهم رمان، قصه‌هایی است که مریم برای ظل‌السلطان روایت می‌کند. بیشتر این داستان‌ها درباره فراق و ناکامی عاشقان است؛ انتخابی که نویسنده آن را متأثر از ادبیات فارسی و شرایط اجتماعی دوران استبداد می‌داند. به اعتقاد صفری، در دوره‌هایی که محدودیت و سرکوب بر جامعه حاکم است، حتی بیان ساده‌ترین احساسات نیز دشوار می‌شود و قصه و شعر به راهی برای بیان غیرمستقیم خواسته‌ها و رنج‌های مردم تبدیل می‌شوند. او در توضیح جایگاه قصه‌گویی، به سنت دیرینه مادران و مادربزرگ‌ها اشاره می‌کند؛ زنانی که در شب‌های تاریک گذشته، با روایت داستان‌ها برای کودکان، بخشی از حافظه جمعی جامعه را شکل می‌دادند. قصه در آن روزگار تنها وسیله سرگرمی نبود، بلکه پناهگاهی در برابر دشواری‌های زندگی و راهی برای انتقال تجربه‌ها از نسلی به نسل دیگر محسوب می‌شد. نویسنده «دختر اصفهان» همچنین انتخاب یک زن به‌عنوان شخصیت محوری داستان را آگاهانه می‌داند. مریم زنی است که برخلاف بسیاری از شخصیت‌های مرد پیرامون ظل‌السلطان، دل‌نگران سرنوشت شهر است و برای نجات آن تلاش می‌کند. صفری معتقد است صدای یک زن برای روایت بخشی از زخم‌های تاریخی و اجتماعی اصفهان ضروری بوده است. در بازسازی فضای تاریخی رمان نیز از منابع مکتوب، تاریخ شفاهی و مشاهدات شخصی استفاده شده است. کتاب «تاریخ اصفهان» اثر علامه همایی از جمله منابع نویسنده بوده و قدم زدن در کوچه‌ها و خیابان‌های شهر و مشاهده دقیق زندگی مردم نیز در شکل‌گیری فضای داستان نقش داشته است. حافظ و شعرهای بومی اصفهان نیز از عناصر برجسته این اثر هستند. صفری دیوان حافظ را بخشی از حافظه فرهنگی ایرانیان می‌داند و حضور آن در زندگی مریم را نوعی پناهگاه فکری و عاطفی توصیف می‌کند. استفاده از شعرها و گویش اصفهانی نیز با هدف حفظ پیوند داستان با فرهنگ عامه و هویت بومی شهر انجام شده است. در روزگاری که بخش زیادی از مخاطبان به محتوای سریع و تصویری گرایش پیدا کرده‌اند، بازگشت به ادبیات و روایت‌های داستانی می‌تواند فرصتی برای شناخت عمیق‌تر تاریخ و فرهنگ فراهم کند. «دختر اصفهان» نیز تلاش دارد از مسیر زندگی یک زن و قصه‌های مردم عادی، بخشی از گذشته شهری را بازخوانی کند که پل‌ها، رودخانه، شعر و خاطراتش در شکل‌گیری هویت آن سهم دارند.

کاهش ۴۷ درصدی ورود گردشگران خارجی به ایران

سازمان جهانی گردشگری از افت ۴۷ درصدی ورود گردشگران خارجی به ایران در نیمه نخست ۲۰۲۶ خبر داد.

جدیدترین آمار منتشرشده از سوی سازمان جهانی گردشگری نشان می‌دهد ورود گردشگران خارجی به ایران از ۳ میلیون و ۴۲۰ هزار نفر در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ به یک میلیون و ۸۲۰ هزار نفر در شش‌ماهه نخست سال جاری میلادی رسیده است.

بر این اساس، ورود گردشگران خارجی به ایران در نیمه نخست ۲۰۲۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۴۷ درصد کاهش یافته است. ایران در این مدت حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار گردشگر خارجی کمتر از نیمه نخست سال گذشته جذب کرده است.

این در حالی است که گردشگری ایران در سال ۲۰۲۵ نیز شرایط چندان مطلوبی نداشت و تعداد گردشگران ورودی به کشور در مجموع با کاهش ۲.۳ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شده بود. مقایسه این دو دوره نشان می‌دهد روند نزولی گردشگری ورودی به ایران در سال جاری میلادی تحت تاثیر جنگ آمریکایی صهیونی شدت بیشتری گرفته است.

روایت حدادعادل از نفوذ استعمار در ۲۵۰ سال تاریخ ایران



رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی بر ضرورت بازخوانی تاریخ ایران از منظر دخالت‌های استعمارگران تأکید کرد.

به گزارش تسنیم، غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در نشست علمی مکتب استعمارشناسی ایرانی؛ بازخوانی و تبیین ابعاد فکری و تاریخی استعمار در تاریخ معاصر ایران که در خانه مشروطیت اصفهان برگزار شد، با تأکید بر ضرورت بازخوانی تاریخ معاصر کشور از منظر دخالت قدرت‌های خارجی اظهار کرد: در میان موجودات آفریده‌شده به دست خداوند، انسان موجودی است که مفهوم زمان را درک می‌کند و بر اساس همین درک، دانشی به نام تاریخ شکل گرفته است. همان‌طور که افراد حافظه دارند، ملت‌ها نیز از حافظه تاریخی برخوردارند و اگر ملتی تاریخ خود را از دست بدهد، هویت خود را نیز از دست خواهد داد. او با بیان اینکه علم تاریخ بر مفهوم زمان استوار است، افزود: بی‌توجهی به گذشته، بیماری خطرناکی برای ملت‌هاست؛ زیرا ملتی که به تاریخ خود اعتنا نکند و آن را چراغ راه آینده قرار ندهد، نمی‌تواند آینده روشنی داشته باشد. هرکس تاریخ کشورش را نخواند، ناچار است اشتباهات و تجربه‌های تلخ گذشته را دوباره تجربه کند؛ درست مانند دانش‌آموزی که با نخواندن درس، مجبور به تجدید آن می‌شود. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به جایگاه استعمار در تحولات تاریخی جهان گفت: بخش مهمی از تاریخ ۵۰۰ سال اخیر جهان با استعمار گره خورده است و ضروری است ملت‌ها نسبت به ابعاد و پیامدهای استعمار در جهان و به‌ویژه ایران حساس باشند؛ موضوعی که استعمارگران تمایلی به طرح و بررسی آن ندارند. به نظر من، باید تاریخ ایران در دست‌کم ۲۵۰ سال اخیر را بر اساس وقایع استعماری بازنویسی کنیم؛ یعنی دخالت‌ها، نفوذها و سلطه قدرت‌های خارجی را مبنای بررسی و روایت تاریخ کشور قرار دهیم. این تاریخ‌نگاری باید با نگاه خودی و بر اساس الگوهای ایرانی و اسلامی انجام شود، نه از زاویه دید استعمارگران و مطابق الگوهای مورد نظر آن‌ها.

استعمارشناسی عام؛ شناخت مبانی فکری و فلسفی غرب

حدادعادل با تقسیم استعمارشناسی به دو بخش عام و خاص خاطرنشان کرد: وجه عام استعمارشناسی به شناخت تحولات فکری و فلسفی غرب از دوره رنسانس و شکل‌گیری مدرنیته مربوط می‌شود و در وجه خاص، باید تاریخ استعمار در ایران و دخالت قدرت‌های خارجی در کشورمان را بررسی کنیم. رنسانس به‌عنوان تولدی دوباره در جهان غرب، مبانی مختلفی داشت که یکی از آن‌ها اومانیسم یا انسان‌محوری بود؛ نگرشی که در آن اراده انسان در برابر اراده خداوند قرار می‌گیرد و در بخشی از اندیشه غربی، انسان و خداوند به‌عنوان دو رقیب تصویر می‌شوند.

او اضافه کرد: اوج این نگاه را می‌توان در اندیشه نیچه مشاهده کرد. افزون بر مبانی اومانیستی، فیلسوفان غربی مبانی فلسفی دیگری نیز برای استعمار تدوین کردند که یکی از آن‌ها فلسفه تاریخ و این تصور بود که تاریخ جهان مسیری خطی و تکاملی دارد و تمدن غرب در نقطه اوج این مسیر قرار گرفته است. در چنین نگرشی، تمدن‌های غیرغربی در جایگاهی پایین‌تر تعریف می‌شوند و علم نیز در خدمت این تفکر قرار می‌گیرد. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نظریه‌های نژادپرستانه و ادعای برتری نژادی را از دیگر ابزارهای فکری توجیه استعمار دانست و گفت: آثاری نوشته شد که اروپاییان را گل سرسبد تاریخ معرفی می‌کرد و برای آن‌ها حق سلطه بر دیگر ملت‌ها، کشتار انسان‌ها و به اسارت گرفتن آن‌ها را به رسمیت می‌شناخت. ادعای برتری یک نژاد بر دیگران نیز زمینه‌ای برای توجیه سلطه بر ملت‌ها و غارت منابع آن‌ها فراهم می‌کرد. او با اشاره به نقش فناوری و ابزارهای نظامی در گسترش استعمار بیان کرد: در دوره‌هایی از تاریخ، تفاوت فاحشی میان قدرت کشورهای اسلامی و کشورهای غربی وجود نداشت و نوعی توازن قدرت برقرار بود؛ به‌گونه‌ای که در جنگ‌های صلیبی نیز پیروزی‌ها میان دو طرف جابه‌جا می‌شد، اما با وقوع انقلاب صنعتی و اختراع ابزارهایی مانند ماشین بخار، کشتی بخار، تفنگ و توپ، این موازنه برهم خورد و توان نظامی و اقتصادی کشورهای غربی افزایش یافت. این ابزارها در خدمت جهان‌خواری استعمارگران قرار گرفتند.

رقابت قدرت‌های خارجی و گسترش نفوذ استعمار در ایران

حدادعادل با تشریح وجه خاص استعمارشناسی و تاریخ حضور قدرت‌های خارجی در ایران اظهار کرد: از زمانی که اروپایی‌ها وارد ایران شدند، می‌توان ردپای استعمار را تا امروز دنبال کرد و قتل امیرکبیر نیز یکی از فجایع استعماری در تاریخ کشورمان به شمار می‌رود. امیرکبیر به‌خوبی می‌دانست ایران برای تحول و پیشرفت به چه اقداماتی نیاز دارد، اما تنها سه سال و ۹ ماه فرصت صدارت پیدا کرد. او با توصیه به جوانان برای مطالعه تاریخ امیرکبیر عنوان کرد: برای شناخت بهتر شخصیت و اقدامات امیرکبیر، مطالعه کتاب شرح زندگانی من نوشته عبدالله مستوفی را توصیه می‌کنم. رهبر شهید چندین بار به من توصیه کردند این کتاب را بخوانم. ایشان این اثر حدود دو هزار صفحه‌ای را بیش از یک بار و برخی بخش‌های آن را بیش از ۱۰ بار مطالعه کرده بودند. مطالعه جلد اول این کتاب نیز می‌تواند برای شناخت امیرکبیر مفید باشد. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به رقابت قدرت‌های خارجی در دوره قاجار ادامه داد: در آن دوره، ایران از شمال با فشار روسیه و از جنوب با نفوذ انگلیس روبه‌رو بود و قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۷ نیز بخشی از تاریخ مداخلات خارجی در کشورمان به شمار می‌روند. ایران همسایه شبه‌قاره هند بود و هند نیز مهم‌ترین مستعمره انگلیس محسوب می‌شد. به روایت تاریخی مورد اشاره، حدود پنج هزار انگلیسی بر جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر در هند حکومت می‌کردند و این کشور نزدیک به ۱۵۰ سال در سلطه انگلیس قرار داشت. او افزود: انگلیسی‌ها برای حفاظت از مستعمره مهم خود، مناطق حائل و حوزه‌های نفوذی در اطراف هند ایجاد کرده بودند و افغانستان نیز در رقابت با روسیه، به‌عنوان منطقه حائل میان این کشور و هند اهمیت داشت. تا زمانی که استعمار انگلیس در هند را مطالعه نکنیم، نمی‌توانیم معنای بسیاری از دخالت‌های این کشور در ایران را به‌درستی درک کنیم؛ بسیاری از پدیده‌های استعماری دوره قاجار نیز بدون شناخت سلطه انگلیس بر هند به‌طور کامل قابل تبیین نیست. حدادعادل با اشاره به اهمیت منابع نفتی ایران برای انگلیس گفت: نفت برای انگلیس اهمیت بسیاری داشت و پس از کشف آن، ایران جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های این کشور پیدا کرد. انگلیسی‌ها ابتدا امتیاز دارسی را به دست آوردند و سپس، بنا بر تحلیل تاریخی مطرح‌شده، درصدد برآمدند با روی کار آوردن رضاشاه، از تداوم سلطه خود بر منابع نفتی ایران اطمینان پیدا کنند. او برای تشریح میزان نفوذ سیاسی انگلیس در ایران، به یادداشت‌های روزانه دکتر قاسم غنی اشاره کرد و افزود: مصر فردی را برای تصدی سفارت خود در ایران معرفی کرده بود، اما با پذیرش او موافقت نمی‌شد. دکتر قاسم غنی در یادداشت‌های خود علت این موضوع را مخالفت انگلیس دانسته بود. این مسئله نشان می‌دهد نفوذ این کشور حتی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ایران نیز وجود داشت. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با اشاره به خاطرات اسدالله علم درباره انتخاب نمایندگان مجلس اظهار کرد: در دوره‌هایی، فهرست نمایندگان مجلس با دخالت سفارت انگلیس تهیه می‌شد و این موضوع نشان‌دهنده گستردگی نفوذ سیاسی این کشور در ساختار تصمیم‌گیری ایران بود.

استعمار نو؛ سلطه بر کشورها بدون حضور مستقیم نظامی

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تشریح شیوه‌های مختلف استعمار و تفاوت استعمار کهن و نو گفت: استعمارگر برای سلطه بر یک کشور همیشه به جنگ و استفاده از توپ و تفنگ نیاز ندارد؛ گاهی پس از تسلط بر خاک یک کشور، تلاش می‌کند افرادی را در مدرسه‌ها و دانشگاه‌های آن پرورش دهد که تفکری هم‌سو با منافع استعمارگران داشته باشند. این شیوه را استعمار نو می‌نامند. او ادامه داد: در استعمار نو، کشورها ممکن است پرچم، قانون اساسی و ساختارهای رسمی مستقل داشته باشند، اما اداره‌کنندگان آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیری حرکت کنند که منافع قدرت‌های خارجی را تأمین کند. پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی، چنین روندی در بخش‌هایی از آسیا و آفریقا دنبال شد و استقلال ظاهری کشورها لزوماً به معنای استقلال واقعی آن‌ها نبود. حدادعادل با تأکید بر نقش انقلاب اسلامی در ناکام ماندن این الگوی استعماری در ایران عنوان کرد: با پیروزی انقلاب اسلامی، استعمارگران ناچار شدند به عقب بازگردند و بار دیگر شیوه‌های استعمار کهن را در پیش بگیرند. انقلاب اسلامی بود که استعمار را در کشورمان عقب راند و یکی از دلایل تقابل آمریکا با ایران نیز این است که شیوه استعمار نو در کشورمان پاسخگو نبوده است. او افزود: پس از انقلاب اسلامی، قدرت‌های استعماری برای اعمال سلطه دوباره به ابزارهای نظامی مانند موشک، هواپیما و بمب متوسل شدند. این مسئله نشان می‌دهد که وقتی روش‌های غیرمستقیم سلطه و نفوذ در کشوری نتیجه ندهد، استعمارگران ممکن است به روش‌های آشکار و نظامی روی بیاورند.

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای تبیین تفاوت استقلال واقعی و ظاهری، خاطره‌ای از گفت‌وگوی یکی از مقام‌های سیاسی کشورهای همسایه با امام خمینی(ره) نقل کرد و گفت: آن مقام سیاسی که در آغاز جنگ عراق علیه ایران خبرنگار بود، از امام پرسیده بود انقلاب چه فایده‌ای داشته است، درحالی‌که کشور با جنگ و ویرانی روبه‌رو شده است. پاسخ امام این بود که فایده انقلاب اسلامی در ایران این بود و هست که امروز برای ایران در تهران تصمیم گرفته می‌شود. حدادعادل با اشاره به نقش رهبری و مردم در مقابله با استعمار و استکبار ادامه داد: رهبر شهید در برابر استعمار ایستادگی کردند و ملتی که چنین رهبری داشته باشد، به تعبیر مطرح‌شده، ملت مبعوث است. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام خود فرمودند، مبارزه با استکبار جهانی دیگر به یک روز محدود نیست و این مبارزه باید با شناخت و آگاهی از ابعاد مختلف استعمار ادامه پیدا کند.

ضرورت توسعه مطالعات استعمارشناسی و تربیت مورخان ایرانی

او با قدردانی از تلاش‌های موسی نجفی برای تدوین مجموعه ۳۰ جلدی استعمارشناسی ایرانی خاطرنشان کرد: این مجموعه می‌تواند منبع تغذیه علمی مهمی برای رشته تاریخ باشد و زمینه شناخت دقیق‌تر ابعاد مختلف استعمار و مداخلات قدرت‌های خارجی را فراهم کند. شناخت استعمار نباید صرفاً به بررسی چند واقعه تاریخی محدود شود، بلکه باید مبانی فکری، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن نیز مورد مطالعه قرار گیرد. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی با خطاب قرار دادن دانش‌آموزان و جوانان و تأکید بر ضرورت توجه بیشتر به رشته تاریخ گفت: رشته تاریخ را جدی بگیرید؛ چراکه در شرایط کنونی کشور، آن‌گونه که شایسته است به این رشته توجه نمی‌شود. جوانان باید وارد این حوزه شوند و مورخان آینده ایران باشند؛ مورخانی که تاریخ کشور را با نگاه ایرانی و اسلامی بنویسند و اجازه ندهند روایت تاریخ ایران بر اساس نگاه و الگوهای قدرت‌های استعمارگر شکل بگیرد. حدادعادل با اشاره به ضرورت تولید دانشنامه‌های مستقل به قلم پژوهشگران ایرانی افزود: همان‌گونه که رهبر شهید در دوران ریاست‌جمهوری بر نگارش دانشنامه‌ای به قلم پژوهشگران ایرانی تأکید داشتند، باید دانشنامه‌هایی تدوین کنیم که خودمان نویسنده و صاحب آن باشیم و در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرد. تاکنون ۳۵ جلد از دانشنامه جهان اسلام منتشر شده و دست‌کم ۲۰ جلد دیگر نیز در ادامه آن منتشر خواهد شد. او تأسیس پژوهشگاه تخصصی استعمارشناسی را از ضرورت‌های علمی کشور دانست و گفت: باید پژوهشگاهی ویژه برای بررسی تخصصی پدیده استعمار داشته باشیم تا پژوهشگران این حوزه بتوانند ابعاد مختلف آن را در ایران، کشورهای اسلامی و جهان بررسی کنند. پژوهشگران چنین مرکزی باید دست‌کم به دو زبان خارجی مسلط باشند و در کنار زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسه، زبان عربی را نیز بدانند تا امکان بررسی دقیق‌تر تاریخ جهان اسلام و ارتباط آن با تحولات استعماری فراهم شود.

همایون شجریان در اصفهان؛ صدای خاطره‌ها در میان کاستی‌ها!



کنسرت همایون شجریان در اصفهان با استقبال مخاطبان و اجرای مجموعه‌ای از آثار شناخته‌شده موسیقی ایرانی همراه شد؛ اجرایی که در کنار فضای نوستالژیک و قطعات خاطره‌انگیزش، از نظر کیفیت صوتی سالن، شرایط شنیداری مخاطبان و ارائه آواز همایون شجریان، با فراز و فرودهایی همراه بود.

به گزارش ایسنا، همایون شجریان که تور کنسرت‌های خود را از ۱۵ مهرماه در شیراز آغاز کرده و طی چندین شب متوالی در این شهر روی صحنه رفته بود، از هفتم آبان‌ماه اجراهای خود را در اصفهان آغاز کرد. این خواننده قرار است فرداشب آخرین اجرای خود در اصفهان را برگزار کند و پس از آن، تور کنسرت‌هایش را در کیش و مازندران ادامه دهد و احتمالا در ادامه به تهران نیز برسد. این کنسرت در سالن نقش جهان اصفهان، با ظرفیت چند هزار نفری، برگزار شد؛ فضایی که با توجه به شرایط جوی، به‌صورت سرپوشیده درآمده بود. با این حال، از همان ابتدای اجرا، یکی از مهم‌ترین مسائلی که توجه مخاطبان را به خود جلب می‌کرد، وضعیت نامناسب آکوستیک سالن بود. در بخش‌هایی از اجرا، صدای برخی سازها به‌خوبی شنیده نمی‌شد و در مقابل، صدای بعضی سازها نیز حالتی گوش‌خراش پیدا می‌کرد؛ مسئله‌ای که در مجموع بر کیفیت شنیداری اجرا تأثیر گذاشته بود. البته مسئله کیفیت صدای سالن‌های موسیقی در ایران، موضوع تازه‌ای نیست. بسیاری از سالن‌هایی که از ابتدا نیز از وضعیت صوتی مطلوبی برخوردار بوده‌اند، به‌مرور زمان و به دلیل نبود رسیدگی و نگهداری مناسب، بخشی از کیفیت اولیه خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی، برگزاری کنسرت در یک استادیوم ورزشی که اساسا برای اجرای موسیقی طراحی نشده، طبیعتا دشواری‌های بیشتری به همراه دارد. تجهیز چنین فضاهایی به امکانات مناسب صدابرداری و ایجاد شرایط آکوستیکی مطلوب، به دانش تخصصی، تجهیزات حرفه‌ای و طراحی دقیق نیاز دارد. با این حال، برگزاری کنسرت در استادیوم‌های ورزشی نه‌تنها اتفاقی غیرمعمول در جهان نیست، بلکه بسیاری از خوانندگان مطرح و محبوب در کشورهای مختلف، برای میزبانی از جمعیت گسترده‌تری از مخاطبان خود، اجراهایشان را در چنین فضاهایی برگزار می‌کنند. بنابراین، مسئله اصلی را نمی‌توان صرفا در انتخاب یک فضای ورزشی برای اجرای موسیقی جست‌وجو کرد، بلکه چگونگی آمادسازی و تجهیز این فضاها برای میزبانی از یک اجرای موسیقایی اهمیت بیشتری دارد. در کنار مسائل مربوط به صدابرداری، برخی کارشناسان نیز بر این باورند که سازهای ایرانی اساسا برای اجرا در فضاهای کوچک‌تر و نزدیک‌تر به مخاطب شکل گرفته‌اند و اجرای آن‌ها در محیط‌های بزرگ، مانند استادیوم‌های ورزشی، می‌تواند بر کیفیت انتقال صدا و جزئیات موسیقایی تأثیر بگذارد. از این منظر، جنس و ویژگی‌های صوتی سازهای ایرانی نیز یکی دیگر از عواملی است که در طراحی و آمادسازی چنین سالن‌هایی باید مورد توجه قرار گیرد. اما مسئله صدا تنها به سازها محدود نمی‌شد. به نظر می‌رسید همایون شجریان نیز در بخش‌هایی از این کنسرت نتوانسته است آن‌طور که باید از ظرفیت صدای خود استفاده کند و صدای او تا حدودی خسته به گوش می‌رسید. البته باید توجه داشت که اجرای چندین شب متوالی و برگزاری دو سانس در یک شب، می‌تواند فشار قابل توجهی بر توان جسمی و صوتی خواننده وارد کند و بر کیفیت اجرا اثر بگذارد. در مقابل، برخی معتقدند تداوم اجراها و برگزاری چندین کنسرت در فاصله زمانی کوتاه، خود نوعی تمرین برای خواننده و گروه اجرایی محسوب می‌شود و حتی می‌تواند به بهبود عملکرد آن‌ها کمک کند. با این حال، نمی‌توان دشواری‌های برگزاری یک تور کنسرت را نادیده گرفت. اجرای تور، به‌ویژه در ابعاد گسترده و با برنامه فشرده، نیازمند آمادگی جسمانی و ذهنی بالایی است؛ موضوعی که حتی در میان هنرمندان مطرح جهان نیز اهمیت زیادی دارد و گاهی باعث می‌شود برخی خوانندگان در میانه تورهای جهانی خود، به دلیل خستگی یا ناتوانی در حفظ کیفیت اجراها، تعدادی از کنسرت‌ها را لغو کنند. با وجود این مسائل، در بخش‌هایی از اجرا، صدای همایون شجریان نیز از وضوح و قدرت یکدستی برخوردار نبود و در برخی قطعات، کیفیت ارائه آواز با بخش‌های دیگر برنامه تفاوت داشت. با این حال، در برخی اجراها، از جمله آواز همراه با چهارمضراب، تحریرها و توانایی‌های تکنیکی خواننده جلوه بیشتری پیدا کرد. از سوی دیگر، رپرتوار این کنسرت بیش از هر چیز حال‌وهوایی نوستالژیک داشت؛ فضایی که به‌ویژه برای مخاطبان آثار محمدرضا شجریان، پدر همایون، یادآور خاطرات موسیقایی بسیاری بود. بخش قابل توجهی از آثاری که در این کنسرت اجرا شدند، پیش‌تر با صدای محمدرضا شجریان شنیده شده بودند. حتی در بخش‌هایی که سازها به‌تنهایی به اجرای موسیقی می‌پرداختند نیز آثاری از آلبوم‌های شجریان پدر اجرا شد؛ موضوعی که بر فضای نوستالژیک این کنسرت می‌افزود. در این برنامه قطعاتی همچون «یک نفس آرزوی تو»، «خریدار»، «بیا تا گل»، چهارمضراب ماهور از پرویز مشکاتیان، «هوای گریه»، «لب خندان تو»، «در خیال»، رنگ بیات ترک از حسین علیزاده، «پنهان چو دل»، «ببار ای بارون»، «رنگ شرنگ» از کیهان کلهر، «خزان» از پرویز مشکاتیان، «قاصدک» و «مرغ سحر» اجرا شدند.

خبر

بازاریابی، کلید موفقیت در صنعت بازی

مشاور مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران گفت: در صنعت بازی‌های رایانه‌ای، بازاریابی همان عاملی است که می‌تواند یک بازی را از گمنامی خارج کند و به محصولی موفق و ماندگار تبدیل کند.

حمید بروغنی، مشاور مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران، با اشاره به رشد چشمگیر صنعت بازی‌های رایانه‌ای گفت: این صنعت از یک سرگرمی ساده به یکی از بزرگ‌ترین صنایع سرگرمی جهان تبدیل شده و از نظر درآمدزایی نیز از صنایع سینما و موسیقی پیشی گرفته است. در چنین شرایطی، تولید یک بازی باکیفیت به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت نیست و معرفی مؤثر محصول به مخاطبان، نقشی اساسی در جذب بازیکنان دارد. بروغنی با اشاره به موانع این حوزه گفت: چالش‌های بازاریابی در صنعت بازی‌های رایانه‌ای، ناملموس بودن محصولات دیجیتال، دشواری اعتمادسازی پیش از خرید، انتشار مستمر بازی‌های جدید و رقابت برای جلب توجه مخاطبان از جمله مهم‌ترین موانع این حوزه هستند. مشاور مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران افزود: بازی‌های رایانه‌ای برای تداوم موفقیت به جامعه‌ای فعال از بازیکنان نیاز دارند و نبود تعامل مستمر با مخاطبان می‌تواند به کاهش محبوبیت و فراموش شدن یک بازی منجر شود. از سوی دیگر، کوتاه بودن چرخه هیجان پیرامون بازی‌ها ضرورت اجرای برنامه‌های مستمر برای حفظ و بازگرداندن بازیکنان را افزایش می‌دهد. او بازاریابی پیش از انتشار را یکی از مراحل مهم موفقیت بازی‌ها دانست و عنوان کرد: یکی از عوامل موفقیت بازی این است که پیش از انتشار بازی، تریلرهای سینمایی، ویدئوهای کوتاه و تصاویر و اطلاعات بازی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شود. این اقدامات علاوه بر ایجاد انتظار و کنجکاوی در مخاطبان، زمینه اعتمادسازی و دریافت بازخورد پیش از عرضه رسمی محصول را فراهم می‌کند. بروغنی، بازاریابی درون‌بازی را از دیگر عوامل مؤثر در حفظ مخاطبان برشمرد و افزود: ارائه به‌روزرسانی‌های فصلی، طراحی رویدادهای محدود، عرضه آیتم‌ها و اسکین‌های انحصاری و ایجاد سیستم پاداش و مأموریت‌های روزانه، از جمله روش‌هایی هستند که می‌توانند انگیزه بازیکنان برای ادامه حضور و بازگشت به بازی را تقویت کنند. مشاور مدیرعامل انجمن سواد رسانه‌ای ایران ادامه داد: جامعه‌سازی و بازاریابی دهان‌به‌دهان نیز از دیگر مؤلفه‌های مهم توسعه بازی‌ها است. همچنین باید بسترهایی مانند دیسکورد، برگزاری مسابقات و رویدادهای آنلاین و طراحی برنامه‌های ارجاع برای دعوت دوستان ایجاد شود. این اقدامات با تقویت حس تعلق و مشارکت بازیکنان، به گسترش طبیعی جامعه مخاطبان کمک می‌کنند. او همچنین استفاده از داده و تحلیل رفتار کاربران را برای بهبود عملکرد بازی‌ها ضروری دانست و گفت: بررسی نقاطی که بازیکنان در آن بازی را ترک می‌کنند، شناسایی دلایل کاهش مشارکت، اجرای آزمون‌های مقایسه‌ای برای انتخاب مؤثرترین تبلیغات و محتوا و شخصی‌سازی پیشنهادها بر اساس علایق کاربران، از جمله راهکارهای مهم در این زمینه است.

هوش مصنوعی؛ روایت سریع رویدادها با انیمیشن

استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند زمان تولید آثار سینمایی انیمیشن را از چند سال به حدود ۹ تا ۱۲ ماه کاهش دهد.

محمد سرشار تهیه کننده حوزه پویانمایی با اشاره به فرصت‌های تازه پیش‌روی سینمای مقاومت اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین فرصت‌های تولید آثار سینمایی مقاومت در دوره اخیر، بهره‌گیری از هنر و صنعت انیمیشن و تولید آثار انیمیشن واقع‌گرا و اکشن است؛ البته کیفیت در این مسیر اهمیت بسیار زیادی دارد، چراکه اگر اثر از کیفیت مناسبی برخوردار نباشد، مخاطب را پس می‌زند و مصنوعی به نظر می‌رسد. او با بیان اینکه در سال‌های اخیر مدت‌زمان تولید برخی آثار انیمیشن کاهش یافته و گاهی به کمتر از یک یا دو سال رسیده است، افزود: کوتاه شدن بیش از اندازه زمان تولید می‌تواند به افت کیفیت آثار منجر شود؛ بنابراین استفاده از فناوری‌های جدید نباید به بهای نادیده گرفتن استانداردهای کیفی تمام شود. سرشار با اشاره به امکان روایت سریع‌تر رویدادهای اجتماعی و تاریخی با کمک ابزارهای هوش مصنوعی، به ماجرای مدرسه شجره طیبه اشاره کرد و گفت: فرض کنید درباره فاجعه‌ای که نهم اسفندماه در این مدرسه اتفاق افتاد، هنرمندی بتواند تنها شش ماه پس از وقوع حادثه فیلمنامه‌ای بنویسد و اثر را برای تولید آماده کند. در شرایط معمول، دست‌کم سه سال زمان لازم بود تا یک فیلم سینمایی به مرحله اکران برسد؛ در این فاصله ممکن بود اتفاقات تازه‌ای رخ دهد و موضوع از ذهن جامعه فاصله بگیرد. او ادامه داد: اکنون با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، زمان تولید می‌تواند به حدود ۹ تا ۱۲ ماه کاهش یابد. این یعنی هنرمند می‌تواند زمانی به موضوع بپردازد که هنوز در ذهن و حافظه جمعی جامعه زنده است. این ظرفیت، مزیت مهمی برای سینمای انیمیشن به شمار می‌رود. این فعال حوزه انیمیشن با مقایسه سرعت تولید در سینمای زنده و انیمیشن توضیح داد: سینمای رئال پیش از این چنین امکانی داشت و حتی می‌شد در فاصله سه تا چهار ماه درباره یک موضوع فیلم سینمایی ساخت. در جنگ اخیر نیز آثاری سینمایی و تلویزیونی داشتیم که هم‌زمان با جنگ، وقایع را به تصویر می‌کشیدند؛ اما انیمیشن هیچ‌گاه نمی‌توانست با چنین سرعتی به تولید برسد. اکنون ابزارهای هوش مصنوعی این امکان را در اختیار فعالان این حوزه قرار داده‌اند.